معیار بازگشت به انشاء طول اول؛ از بین رفتن اطلاق و تمام ضوابط انشاء طولی ثانی

حال با این توضیحاتی که عرض کردم به فرمایش شما میآییم. شما فرمودید آیا شوهر میتواند همینطور طلاق بدهد؟ بدون در نظر گرفتن جهت منفی. یک خانوادهای را به هم بزند و بگوید مادر پاشو برو. چرا؟ چون صبح از خواب پاشدم! آیا این جایز است یا نه؟ این طلاق باطل است یا نه؟

ایشان (یکی از شاگردان) با این انشائات طولی فرمودهاند: مثل «لولا ان اشق علی امتی لامرتهم بالسواک»، در اینجا هم معلوم است که ادله زیادی میگویند ذات طلاق مبغوض است. مبغوض تریِ چیز نزد خداوند طلاق است. ولی چه کنیم که چارهای نبوده. پس طلاق نزد شارع حرام است؛ مبغوض ذاتی است. اقتضاء حرمت ذاتیه دارد. مفسده ملزمهٔ الترک دارد. اما تنها که این نیست. آلآن دارد یک تابع تشکیل میشود. یعنی یک نظام و یک سیستمی تشکیل میشود آن هم با عملگر جمع بین مصالح و مفاسد. کسر و انکسار یعنی معادله درست کنید و از یک چیزی که کنید و به یک چیز دیگر اضافه میکنید. معادله را حل میکنید بهنحویکه خروجی داشته باشد. البته همه اینها تشبیه است.

> 20:54

در اینجا هم همینطور است ناچار به طلاق شدیم. پس اگر این حکم طلاق در پایه هست، نتیجه میگیریم که بهخاطر آن عنوانی ثانویه بوده که طلاق را اجازه دادهاند. اما اگر آن عنوانی ثانویه نبود، به پایه و آن حکم اصلی اثباتی طولی که عدم جواز است بر میگردیم. آیا به این صورت هست یا نیست؟

من عرض کردم اساس کار استظهار از ادله است. نمیتوانیم خودمان همینطور بگوییم. باید برویم و نگاه کنیم؛ وقتی که شارع آن کف را قرارداد و در طول آن، انشائی را سوار کرد، آن انشاء خود شارع در لسان و استظهار از دلیل، اطلاق دارد. ما همینطور نمیتوانیم به محض یک استثناء به قبلی برگردیم. برگشتن به مرحله قبلی این است که دست ما از دلیل طولی دوم بتمامه و بإطلاقه کوتاه شود. مواردی هم دارد. من قبلاً اینها را عرض کردم. ولی نه اینکه وقتی اطلاق دارد ما آن اطلاق را ملاحظه نکنیم و تنها به همان پایه برگردیم. اما در مانحن فیه، اطلاق دارد یا نه؟ شما(یکی از شاگردان) تلاش کردید که بگویید اطلاق ندارد.

علی ای حال در فضای فقه و اساس استنباط، این انشائات طولی را برای تغییر واضحات قرار ندادیم. انشائات طولی ثبوتی برای حل معضلات است. برای جایی که اختلاف است و مطلب نظری است. اما اگر یک جا استظهار از ادله لفظیه، لبیه، خارجیه، اجماع و شهرت، مطلب نزد متشرعه واضح است، در موارد وضوح که قرار نیست این طولیت ما را نجات بدهد.

مثلاً در میان مطالبی که فرمودید خیلی از چیزها را نفرمودید. اگر آن را ضمیمه کنید می‌بینید. مثلاً در آیات شریفه دوازده مورد کلمه طلاق آمده است. در قرآن کریم ما یک سوره داریم به نام طلاق. روشن‌ترین موردش ایلاء است. «لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَآئِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَآؤُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»[1]؛ ایلاء یک کاری است. «ان الله غفور رحیم» یعنی کار درستی نکرده. اگر به این نحو که شما می فرمایید بود می‌گفتیم چرا ایلاء کردی و یک تندی هم با او می‌شد. بعد هم چون ایلاء کردی برو توبه کن. نه اینکه مردد شوی؛ اگر برگردی خدا می‌بخشد. اگر «عزموا الطلاق»، یعنی فضایی است که دارد برای زوج مجال را باز می‌گذارد که می‌تواني طلاق بدهی. می‌خواهم لسان و اطلاق را بگویم. یعنی ادله‌ای داریم که باید به اطلاق آن نگاه کنیم. یعنی در این‌چنین فضایی می‌گویند شوهر می‌تواند طلاق بدهد. نه! نگاه کن ببین اگر طلاق هیچ مصلحتی ندارد، اصلاً حرام است، به مرحله اول بر می‌گردیم! بلکه باید ببینیم هر چه خود شارع صلاح می‌داند. ما که خودمان نمی‌دانیم. ولی می‌دانیم ادله‌ای که در طول آن مبغوضیت طلاق، طلاق را اجازه داد و آن را تجویز کرده که لازمه آن احکام خمسه طلاق شده...؛ در جواهر بود؛ فقها فرموده‌اند طلاق پنج حکم دارد. مباح، مستحب، مکروه و حرام و واجب. ما باید در مورد اصل تجویز طلاق، مطمئن شویم که همه ضوابطش و اطلاقش کاملاً در فضا محکّم نیست، و بعد به مبغوضیت اصلیه اولیه برگردیم.

---

[1]البقره ۲۲۶ و ۲۲۷

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 12:28:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 12:29:41 توسط ... .